



گفت من را کز مقام زن بگو
از تمامی وجود من بگو
گفتمش این بس که نام تو زن است
باغ فردوس زیر پاهایت کم است
عشق عالم در تمام جان توست
مهر گردون در دل دستان توست
این توئی کز عشق لبریزست دلت
روشن از مهرست چراغ منزلت

حورا

نشریه حورا - شماره پایتیزی - پائیز ۱۳۹۶

حورا

نشریه حورا - شماره اینترنتی - پاییز ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: بیج دانشجویی دانشگاه شهرکرد

مدیر مسئول: الهه قربانی

سر دبیر: زهرا المانی

هیئت تحریریه: ماعده صالحی - مرضیه پیدار - سیده رضوی

ترجم قاعدی - زهرا مرادی



گفت من را کز مقام زن بگو
از تمامی وجود من بگو
گفتمش این بس که نام تو زن است
باغ فردوس زیر پاهایت کم است
عشق عالم در تمام جان توست
مهر گردون در دل دستان توست
این توئی که عشق لبریزت دلت
روشن از مهرست چراغ منزلت

حورا

نشریه حورا شماره اینترنتی - پاییز ۱۳۹۶

هایی برای مهمترین نقش تعیین کننده در جامعه شده است. و در این میان هم که غرب به اهمیت جایگاه زنان در سرنوشت جامعه و نقش آفرینی و دستاوردهای آنان در ادوار مختلف آگاه است، همت برای این گماشته که با پیچیدن نسخه های غلط (چه برای زنان ایران بلکه تمامی بانوان سراسر جهان) سعی در تحمیل الگوهای نامناسب دارد تا بانوان را تبدیل به انسانی مصرفی و پروری گرا و پوشالی کند و فرایند انسان سازی از نوع بهجت پروری آنان را متوقف کند.

بر همین اساس نشریه حورا به فضل الهی اقدام به کار در این حیطه نموده و بادر نظر قرار دادن اهدافی، در صدد بررسی وضعیت زنان و دختران از همه ابعاد تاریخی، دینی، فرهنگی، تربیتی، حقوقی، تفاوت های زن و مرد، فلسفه تفاوت برخی از حقوق زن و مرد، بررسی وضعیت زن در سایر کشورها و... از روش کاملاً عقلی، علمی، استدلالی است تا نهایتاً این بحث ها منجر به نتیجه و آگاهی صحیح و منطقی به دور از هرگونه جو زدگی، هوچیگری، سیاسی بازی و... شود. نشریه حورا گامی نو در جهت ارائه الگویی صحیح از یک زن ایرانی اسلامی است.

ولذا از تمامی علاقه مندان به این حوزه و قلم به دستان دعوت میکنیم به جمعی از دخترانی ببینند که عاشقانه در تلاشند ارزش های به فراموشی سپرده شده ی این ریحانه ی خدا را بدون هیچگونه تحریف به گوش همگان و از جمله خود ریحانه ها برسانند. منتظر قلم های پرنفوذتان هستیم.

زهرا المانی

سر مقاله:

امام صادق (ع): اکثر الخیر فی النساء؛ بیشترین خیر و برکت همراه زنان است.

زنان مظهر تحقق آمال بشریت اند و در سوق دادن جامعه به سمت وسوی فساد یا صلاح بازیگر نقش اصلی اند. امروزه زنان با آمار جمعیتی بالا در کشور، در کنار مسولیت خطیر همسر داری و فرزند پروری خود، در جامعه نیز با همت والا و متناسب با ویژگی ها و استعداد های خود، در جایگاه های مختلف ملبس به لباس های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... شده و دستاوردهای والایی نیز به ارمغان آورده اند.

اگر گوشه چشمی به تاریخ بیفکنیم میبینیم که در طول تاریخ دیدگاه هادرمورد زنان چگونه بوده و بشر به مرور زمان در دیدگاه های خود تجدیدنظر کرده است و آن زمانی را که سقراط فیلسوف بزرگ یونانی، زن را منشا انحطاط بشر میخوانده پشت سر گذارده و به این دیدگاه ایمان آورده که زن ریحانه است (المراه ریحانه لیست بقهرمانه...).

تاریخ برگ های سیاهی از رفتارهای ظالمانه با زنان را بیدک میکشد که شاهد تکرار تاریخ در کشور های غربی هستیم. در این روزها مابا دیدگاه های مختلف و چه بسا معارض در موضوعات حول محور زن مواجه میشویم از جمله حقوق زن، تساوی حقوق زن و مرد، نقش آفرینی زنان در جامعه و حضور در جایگاه های متفاوت اجتماعی، حتی نوع پوشش زنان، مدگرایی، فمینیسم و... که خود منجر به ایجاد سوالات و حتی اعتراض

به زنان ظلم نکنید

معهده صالحی

از یک جایی آغاز شد و آن قدر در گوشمان خواندند که باورمان شد زن و مرد به جای مکمل بودن مساوی یکدیگرند. بلندگوی حقوق زن را دست گرفتند و با شعارهای تو خالی آزادی، هویت را از زن گرفتند و بدون شناخت ویژگی های روانی زن چوب حراج زدند به احساساتش، عواطفش، شخصیتش،

استعدادهایش و مهمتر از همه نقش هایش.

از انقلاب صنعتی که زن دست مایه ای شد برای توسعه و بدون آگاهی شد پیچ و مهره ی کارخانه های تازه تاسیس، به مراتب تنها تر و دردهای روحی اش گسترده تر شد. قبل از اینکه خود را بشناسد و پیش از اینکه فرهنگ چگونه ظاهر شدن در جغرافیای وسیع پیشرفت که یقیناً نقش عمده ای در آن داشت را دریابد، بی آلیش و بی خبر از رنج های پیش رویش تسلیم ثروتمندان شد. چرا قبل از این واقعه زنان بشدت منفعل و پس از آن به این حجم رنجور شدند؟ علتش خلاصه در یک کلمه است و آن اینکه غرب ظرفیت زن خود را درک نکرده و به او هیچ فرصتی نداده بود.

همه ی زن ها ذاتاً منبع امید و روان شناسان بالقوه ی جامعه

اند، آیا این منطقی است که به جای تکریم این طیب او را به دردهای بزرگتر مبتلا کنند؟؟ زنان مکرم اند و حل کردن این کرامت در جامعه نه درخور شأن آن ها و نه به نفع جامعه است. درست است که شغل ها زنان را از لحاظ اقتصادی مستقل کردند و آن ها را به رسمیت شناختند اما بعد از رها کردن بی قیدوبند آنان در دنیای بی رحم مردان هیچکس نپرسید که از زندگی چه می خواهند؟

البته اسلام هیچگاه مخالف بروز و ظهور توانمندی های زن نبوده و نیست. اسلام زن را ریحانه می داند و تا جایی که به پرورش این گل آسیب

نرسد هم صدا با خواسته هایش، همراهی اش می کند. همان طور که از سخنان رهبر معظم انقلاب نیز می توان به این مسئله مهم پی برد:

«زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی، و در تعریف غالباً غربی به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه داری جدید است، معرفی می شد. اما الگوی ما «زن نه شرقی و نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان گشود و ثابت کرد می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال در متن و مرکز بود.»

در این الگو زن مدبر و مدیر است، روحیه دهنده است، نشاط را به جامعه تزریق می کند و نه تنها افسرده نخواهد بود بلکه روند فزاینده ی غم و اندوه را از بین خواهد برد.

اگر ما گاهی از سر غفلت فریاد فمینیسم سر دادیم بخاطر این است که زنان را نشناختیم و تنها سعی کردیم با حرف های جنگجویانه در نقاب حق خواهی از مردان با احساساتشان بازی کنیم، در صورتی که زبان مواجهه فقط و فقط تعقل است. امروز اگر من و زن هم نسل من خواستیم بزرگ باشیم باید به دو چیز بیش از پیش نگاه کنیم: * سنت ایرانی و تفکر اسلامی مان *

این گونه می توانیم هم تراز با ایده آل ترین تصویر ذهنی خود قله هایی که در نظر داریم را فتح کنیم.

مردواره کردن زن

گفتمان غربی به دنبال این بوده که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار و یک امتیاز برای زن قرار بدهند.

عسکری





جلسه معارفه بین خانواده هاست مگر نه دختر و پسر که قبلا کاملا باهم دیگر در دانشگاه با رد و بدل کردن جزوه و یا محیط کار و... آشنا شده اند و پس از طی یک دوره رفت و آمد تصمیم به ازدواج گرفته اند، آقای داماد بدون داشتن خانه، کار و ماشین به هیچ وجه نمیتواند ازین مرحله عبور کند و در صورت قبولی وارد مرحله ی هولناک تعیین مهریه میشود و با همان جمله ی معروف مهریه را کی داده کی گرفته؟ راضی میشود و زیر بار مهریه های آنچنانی از قبیل برابر سال تولد عروس خانوم به سال میلادی سکه و یا هم وزن شان طلا و سفرهای دور دنیا در ۸۰ سال و... می رود بعد از عبور ازین مرحله و چک و چونه دو خانواده بر سر مهریه وارد مرحله بحرانی جشن نامزدی و بعد از آن عقد میشود و اگر مراسمشان چیزی از مراسم دخترخاله ی عروس چیزی کم داشته باشد آبروریزی میشود و داماد در این مرحله صد درصد مردود میشود و اگر هم احوالنا قبول شود باید سرکوفت های عروس خانوم و مادر گرمی شان را تا آخر عمر نوش جان کند و بالاخره در انتهای بازی عروس و داماد دست در دست یکدیگر با پخش آهنگ بادا بادا مبارک بادا... راهی خانه بخت میشوند.

البته مرحله ی آخر بازی نهنگ آبی خودکشی است ولی پایان بازی ما رفتن بر سر خانه و زندگی و پرداخت قسط های مختلف تا پایان عمر است

ازدواج به سبک نهنگ آبی

”
مرضیه پدیدار

مادر بزرگم خدایا مرز همیشه میگفت دختر و پسر تا جوان و جاهل هستند باید ازدواج کنند و سر خانه وزندگی شان بروند

مگر نه ترشیده، پیر پسر یا دختر، عذب اوقلی (یا اوغلی)... میشوند و بختشان بسته میشود و خدا قهرش مبگیرد و ازین حرفا... واز خودش میگفت که چهارتا دختر و پنج تا پسرش را با کمترین هزینه و سر موقع سروسامان داده بود و راهی خانه بخت کرده بود.

ای کاش الان هم زنده بود و می دید که جوانان برای ازدواج باید هفت خان رستم که دیگر البته ازمد افتاده است مراحل چندگانه نهنگ آبی را باید پشت سر بگذارد تا موفق به راهیابی به خانه بخت شوند و اگر آقای داماد در هر مرحله درخواستهای خانواده عروس را انجام ندهد با تهدیدات پدر عروس خانوم مواجه شده و موفق به عبور از مراحل نمیشود

مثلا در مرحله ی خواستگاری که البته جدیدا یک

بسیاری از تفاوتها و تبعیضها نسبت به دختران و زنان جوان، ناشی از فرهنگ نامناسب موجود است و در اندیشه اسلامی جایگاهی ندارد؛ از این رو می‌بایست با تبیین درست حقوق زنان و دختران جوان و فراهم آوردن شرایط مناسب برای بهره‌مند شدن آنان از امکانات علمی، فرهنگی و ورزشی جامعه، موقعیت آنان را ارتقا بخشید.

در پاسخ به این سؤال که چرا پسران آزادتر از دختران هستند باید به این نکته اشاره کرد که یکی از پیش زمینه‌های اصلی طرح سؤال مورد نظر، عدم اطلاع دقیق اقشار مختلف جامعه از فلسفه تفاوت‌های طبیعی بین دختران و پسران بوده است؛ لذا بدون توضیح و تشریح تفاوت‌های جسمی و روحی دختران و پسران نمی‌توان مرز محدودیتهای لازم و طبیعی با محدودیتهای تحمیلی و غیرمعقول را به خوبی مورد مطالعه قرار داد به سؤال فوق پاسخی مناسب ارائه نمود.

بازخوانی آثار و منابع دینی و بازکاوی آرا و عقاید اندیشمندان و علمای دینی در خصوص تفاوت‌های ذاتی و طبیعی بین دختران و پسران، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که خلقت آدمیان، بلکه جهان هستی، براساس تفاوت و تنوع و تکثر است، نه تبعیض و بی‌عدالتی. چنین معرفت و شناختی است که ما را از توهم برتری و قداست مردان نسبت به زنان نجات خواهد داد. آنچه از مطالعه منابع دینی به دست می‌آید این است که اسلام و قرآن نه تنها نسبت به زنان نگرشی توأم با اکرام و احترامی خاص دارد، بلکه در برابر آرا و عقاید تحقیرآمیز سایر فرق و مذاهب نسبت به طینت و خلقت زنان ساکت نبوده است. به طور مثال، یکی از نظرات تحقیرآمیزی که از سوی بسیاری از صاحبان عقاید غیروحیانی ترویج شده، این است که زنان در مقایسه با مردان از هت خلقت سرشتی پست تر دارند. گروهی دیگر نیز گفته‌اند زن عامل گناه و انحراف بوده و وجود او توأم با شر، وسوسه و معصیت است و شیطان نیز به وسیله حوا حضرت آدم علیه السلام را فریب داد. اما در دیدگاه اسلامی، قرآن کریم سرشت و طینت زنان و مردان را یکی می‌داند و خلقت حضرت آدم و حوا را از یک گل و طینت اعلام می‌نماید. همچنین وسوسه شیطان را به حضرت آدم و حوا نسبت می‌دهد و در ماجرای فریب خوردن از شیطان، هر دو را به طور مساوی دخیل می‌داند.

یکی دیگر از عوامل عمده به وجود آمدن تبعیض علیه زنان، تحدید آزادی‌های مشروع و مقبول آنان و استثمار و استثمار آنان از سوی مردان در طول تاریخ، توحش و رشد نایافتگی جوامع و در نتیجه برخورداری صاحبان قدرت از مقام و موقعیت برتر بوده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت بیشتر زنان و دختران به گونه‌ای بود که یا محکوم مردسالاری و محبوس در خانه بودند و یا در جامعه ابزار تبلیغ فرهنگ مصرفی غرب گشته بودند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه به زن دچار تحولی بنیادین شد و زنان نقشی اساسی در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و علمی و فرهنگی و... یافتند. اما علی‌رغم تمامی تحولات پس از انقلاب، هنوز بسیاری از دختران و زنان جوان از محرومیتها و محدودیتهای ناروا و تحقیرآمیز رنج می‌برند. برای مقابله با وضعیت تحقیرآمیزی که علیه دختران و زنان در جامعه شاهدیم توصیه‌های ذیل مورد تاکید جدی می‌باشد:

۱. آموزش پدران و مادران از طریق رسانه‌های گروهی در خصوص

رفتار عادلانه با دختران و مادران در خانواده، تقسیم کار با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای افراد خانواده، شرکت دادن دختران در تفریحات سالم و گذران اوقات فراغت در میهمانی‌ها و میزبانی‌ها، مقابله با عادات و رسوم خرافی و تبعیض آمیز، تبیین روابط منطقی و مشروع دختران و پسران با یکدیگر و پرهیز از افراط و تفریط در این باره، از جمله محورهای مهم و لازمی است که می‌بایست مورد تاکید قرار گیرد.

۲. تلاش در جهت از بین بردن ضوابط، روابط، قوانین و آداب و رسوم نامعقول و غیراسلامی از تمامی عرصه‌های جامعه که در تعارض با مقام و منزلت زنان می‌باشد؛

۳. تاسیس و گسترش مراکز مهم تفریحی، ورزشی، علمی و آموزشی به شکلی که برای دختران و زنان جوان مناسب باشد؛

۴. آموزش نظام ارزشی اسلام در مورد روابط بین دختران و پسران و تبیین وظایف و تکالیف شرعی و قانون آنان در جامعه؛

۵. از بین بردن زمینه‌های تحقیر زنان و دختران در عرصه‌های فرهنگی و تبلیغی کشور و جلوگیری از نمایش زنان در فیلمها، گزارشها و... به عنوان عناصری کم‌سواد، سخیف، ضعیف، تابع، منفعل، مصرف زده و... نهادها و مراکز مدافع حقوق زنان می‌بایست نسبت به تولید و پخش هر آنچه موقعیت فردی و اجتماعی زنان و دختران را خدشه دار کرده، زمینه‌های تحقیر و تبعیض علیه آنان را فراهم می‌سازد جلوگیری کنند.

۶. اثبات این مهم که تبعیض و بی‌عدالتی و عدم توجه به آزادی‌های مشروع و قانونی دختران در کشورمان، ارتباطی با مبانی و معارف دینی و قرآنی ندارد و بیشتر ناشی از ارائه برداشتهای قرائتهای ناصحیح (متحجرانه یا متجددانه) از اسلام و مبانی و نیز رسوخ باورها و ذهنیتهای تاریک اندیشانه یا غرب مابانه در لایه‌های فرهنگی، اجتماعی کشورمان می‌باشد. این امر یکی از مهمترین راه‌های مقابله با تبعیض علیه زنان به شمار می‌آید.

۷. اکثر قریب به اتفاق دختران و زنان، به دلیل بی‌اطلاعی از موقعیت کنونی خود در کشور، شناختی نسبت به راه‌های احقاق حقوق خود ندارند؛ به همین دلیل در بسیاری موارد، تبعیض و بی‌عدالتی علیه خود را قانونی و منطقی تلقی نموده، از حریم و حقوق خود دفاع نمی‌کنند. بر این اساس است که آموزش حقوق و قوانین خاصه زنان و دختران از لوازم قطعی رفع تبعیض و تحدید علیه بانوان به شمار می‌آید که می‌بایست از سوی مراجع ذی‌ربط مورد توجه و عنایت جدی قرار گیرد.

۸. از جمله عوامل دیگری که زمینه‌ساز برخوردهای تبعیض آمیز علیه دختران در کشور ما بوده است، عدم اجرای دقیق اصول مربوط به حقوق و مطالبات بانوان در قانون اساسی می‌باشد.

۹. مادران نقش مؤثری در سعادت و شقاوت فرزندان به عهده دارند و در واقع صلاح و فساد جامعه منوط به سطح علم و ایمان و عمل مادران است و از طرفی احساس کرامت و شخصیتی که می‌بایست زنان در اعمالق وجودشان نسبت به خود در بایند موقوف به میزان تکریم و تعظیمی است که مردان خانواده برای آنان قائل اند؛ لذا بی‌تردید برای تحقق تربیت صحیح دختران و پسران و بویژه برای برخورد ریشه‌ای با روابط تحقیرآمیز با زنان و دختران در جامعه و ملزم ساختن مردان و پسران به برخورد توأم با اکرام و احترام به بانوان، می‌بایست رفتار مردان با همسران خود (در محیط خانواده) به دور از هرگونه تهدید و تحقیر و تحمیق باشد.



ریحانه سیاستمدار



ترنم قاصدی

زنان زیادی در تاریخ کشورمان، ایران نقش‌های سیاسی مختلف را پذیرفتند و یا در امر سیاست موثر بودند، پادشاهی در دوره ساسانیان، زنان درباری، حرکت‌هایی که منشا خودجوش زنانه داشتند و نزدیک‌ترین آن انقلاب و دفاع مقدس ...

امام خمینی (ره)، تأثیر گذاری بر حرکت و مشارکت سیاسی زنان را، بیش از آن می‌دانستند که در ظاهر به چشم می‌خورد، ایشان طی سخنانی خطاب به بانوان اظهار داشتند:

«شما زنان در آتیه، برای مملکت ما پشتوانه هستید. زنان، پیش رو این نهضت اسلامی بودند. رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند. نهضت را راهنمایی کردند. شما رهبران نهضت هستید... من شما (زنان) را به رهبری قبول دارم و خدمت گزار شمایم.»

هم چنین بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در بخش دیگری تصریح کردند:

«ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیش برد مقاصد اسلامی است، آسیب نخواهد دید»

زن در زیر پرچم اسلام توانایی دست‌یابی به بالاترین

درجات دنیوی و اخروی و در عین حال زمینه‌سازی برای اطرافیان را دارد، اینکه خود را به عنوان یک زن دور از سیاست بدانیم و بدون تفکر مقلد و دنباله‌رو جریان‌هایی باشیم که در ظاهر بها دهند به ارزش زن و موجب دیده شدنمان می‌شود، درست نیست.

زن بیشتر از مرد بصیرت سیاسی می‌خواهد، چیزی که با تقوا و آگاهی به دست می‌آید... زیرا زن به واسطه نقش‌هایش زاینده‌ی سیاست و به فرموده امام خمینی در صف مقدم و رهبر نهضت محسوب می‌شود.

چیزی که در حال حاضر از آن غافل شده و بی‌اهمیت قلم‌دادش می‌کنیم، سرگرمی به هدف‌های پوچ دنیوی را برتر میدانیم.

در پس همه این جریان‌ها و در کنار حضور اجتماعی و سیاسی زنان، باید به نقش مادری، همسری زن و محوریتش در خانواده اشاره کرد، خانواده‌ای که فرهنگ کشور را می‌سازد و ریشه‌ی تفکرات سیاسی کشور را بر

ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیش برد مقاصد اسلامی است، آسیب نخواهد دید.

پا می‌کند.

امام خمینی (ره) همواره پشتوانه‌ی هر مرد موفق را مادر و یا همسر دل‌سوز دانسته و می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق رأی دادن و حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد... این که خارج از کشور منعکس کرده اند که در اسلام با زنان با خشونت رفتار می‌شود، امر غیر صحیح و تبلیغات باطلی است.»

زن مسلمان ایرانی با تمام سرمایه‌ها و توانمندی‌اش تمدن اسلامی را رقم خواهد زد.

ارزش و توانمندی‌های ما تا کجاست؟





گردش در تاریخ ما را به جایی می رساند که گاهی زن را شیطان، گاهی مسئول خاموش کردن روح عالم و گاهی نیز فرشته می یابیم، زن در اعصار و ادیان مختلف توانسته عنوان های مختلف را کسب کند به طوری که در تلمود و در دیدگاه یهودیان زن را سبک سر خوانده و از پر گوئی زن اظهار تاسف می کردند، و حتی ربی الیعازر به یک زن دانشمند گفت: « زن از هیچ حکمتی جز ریستن نخ بر خوردار نیست.»

و یا در دیدگاه مسیحیت زن اینگونه نامیده شده « زن دری که از آن دیو بیرون می آید» و کمی از نظر زمانی نزدیک تر به ما می رسیم به قرون وسطا که در آن زدن زن را توسط مرد جایز شمرده و زنان را هم ردیف کنیزان دانسته اند که این قضیه فقط مختص کلیسای کاتولیک نبوده است و حتی سخن مارتین لوتر سردمدار فرقه ی پروتستان نیز دال بر گسترگی این دیدگاه درباره ی زنان در تاریخ مسیحیت است «زنان باید در خانه بمانند، آفرینش زنان بر این دلالت دارد آن ها پاهای پهن دارند تا بر روی آن بنشینند و خانه داری کنند و بچه به دنیا بیاورند و بزرگ کنند.»

و خام اندیشی است که گمان کنیم این وضعیت بهبود یافته و یا برداشته شده است چرا که در همین قرن بیستم خودمان که اروپا و غرب بر طبل حقوق مساوی زنان و مردان می کوبند جناب پاپ در سخنی می گویند: «بین زندگی مادر و حیات فرزند باید نخستین را فدا کرد در واقع مادر که غسل تعمید یافته می تواند به بهشت برود در حالیکه جنین برای همیشه به برزخ اختصاص یافته است.» و این یعنی هیچ انگاری زندگی موجودی به نام زن.

اما اندک تفکری لازم است تا دریابیم جوامعی با این

دیدگاه تاریخی و فعلی درباره ی مقام و جایگاه زن امروزه چگونه می تواند حقوق راستین و حقیقی زن را دریابد و همچنین آن را به دیگر جوامع عرضه کند؟ آیا به راستی می تواند؟

حال بدون هیچ نگاه متعصبانه ای زن را در اسلام و نه در کشور های اسلامی بررسی میکنیم؛ در اسلام مقام زن نه یک انسان بلکه به یک موجودی به مراتب بالاتر می رسد تکریم مورد تاکید پیامبر اسلام (ص) در مورد زنان که می توانند مولد جامعه ی فاضله باشند گواه بر این مدعاست. حتی می توان از کتاب مقدس مسلمانان برای مستدل تر کردن این ادعا بهره برد جایی که در قران زنان فاضله و مومن همچون حضرت زهرا (س)، آسیه همسر فرعون، مادر موسی و حضرت مریم (س) نه به عنوان یک شیطان نه به عنوان خاموش کننده ی روح عالم و نه به عنوان دری که دیو از آن بیرون می آید بلکه به عنوان زنانی الگو و نمونه و سرنوشت ساز در تمام اعصار معرفی می شوند و این همان حقوق واقعی زنان است که قرن ها پیش دین مبین اسلام بدان پرداخته است.

حق زن نه بودن پشت ویتربین ها برای به فروش رسیدن و نه بردگی با حقوق ظاهری مساوی با مردان است چرا که زنان به مراتب می توانند تاثیر گذار تر از مردان در جامعه نقش ایفا کرده و آن را با تربیت فرزندان صالح و سالم از نظر روحی به سر منزل مقصود رسانند.



زنان کشور ما، با آشنایی با زندگی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها و معرفت و مبارزات و سخنان حکمت‌آمیز آن بزرگوار، راهی را در مقابل خود ترسیم کرده‌اند، از آن راه حرکت کرده‌اند و بیشتر هم بایستی پیش بروند.

۳۰
۷۶/۷/۳۰
رهبرانقلاب

نقشه راه زنان کشور ما



راههای ارتباطی

 @bsjsku

۰۳۸ ۳۲۳۳۴۰۲۴

حورا